

دیدار پزشکیان با رهبری پیش از سفر به نیویورک

گروه خبر: رئیس‌جمهور در آستانه‌ی حضور در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، عصر دیروز با مقام رهبری، دیدار و گزارشی از برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای این سفر ارائه کرد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز ضمن دعای خیر و آرزوی موفقیت برای رئیس‌جمهور، نکات و توصیه‌هایی را بیان کردند. از سوی دیگر، مهدی سنایی، مشاور سیاسی رئیس‌جمهور در صفحه‌شخصی خود

ادامه از صفحه اول

آرایش جنگ هشت‌ساله را می‌توان به ۵- ۲- توصیف کرد به‌این‌معنی که دو سال اول از آغاز تجاوز تا بازپس‌گیری خرمشهر، پذیرش صلح‌قابل‌قبول نبود. به‌همین‌خاطر می‌بایستی‌گاه‌در اندازه و آوازه باس‌ر عرفات یا هیئت‌ی مرکب از محمد ضیاء‌الحق و موبوتو سسه‌سه‌کو، رهبران وقت‌یاکستان و کنگوبه‌تهران می‌آمدند و دست خالی می‌رفتند. پنج‌سال دوم بازه زمانی، بازپس‌گیری خرمشهر و ورود ایران به خاک عراق برای تنبیه متجاوز تا صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در تیرماه ۱۳۶۶ است. در این پنج سال هرچند از تریبون‌های رسمی شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» سر داده می‌شد، اما مهندس بازرگان و هم‌فکران با تأسیس «جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران» خواستار پایان جنگ بودند و دیدگاه‌های خود را در اطلاعات‌های متعدد نشر می‌دادند.

در این مدت هم برخی چهره‌های بین‌المللی مانند اولاف پالمه، نخست‌وزیر سوئد و خاویر پرز دکونه‌یار، دبیر کل وقت سازمان ملل نیز برای صلح کوشیدند و هرچند به نتیجه موردنظر نرسیدند و شاید ترور اولسی به‌همین‌خاطر بود، اما قبول قطعنامه ۵۹۸ را می‌توان به دبیر کل نسبت داد. بااین‌همه پایان جنگ ایران و عراق بیش از آنکه ناشی از تلاش‌های بین‌المللی باشد، در فعالیت درون‌ساختاری هاشمی رفسنجانی ریشه داشت و البته از نقش دیگر فعالان سیاسی نیز نباید غافل شد. دکتر یزدی در آخرین دیدار خود با امام خمینی در اسفندماه ۶۴، اگرچه به حاج احمد خمینی قول داده بود بحث ادامه جنگ را پیش نخواهد کشید، اما از فرصت و سابقه اعتماد امام استفاده کرد و پایان جنگ با سقوط صدام را ناممکن دانسته و یادآور شده بود که صدام یک شخص نیست و در رهبران حزب بعث، تکثیر شده‌است. رهبر فقید انقلاب که شرط گذاشته بود مایل نیست در باره جنگ گفت‌وگو شود، اتاق را ترک کرد و دکتر یزدی هم طبعاً خارج شد. او که طی تمام ۱۱۸ روز اقامت آیت‌الله در نوفل لوشاتو، هر صبح دوشادوش رهبر انقلاب مسیری را می‌پیمود، هفت‌سال بعد دست خالی به خانه بازگشت. از آن پس سراغ آیت‌الله منتظری رفتند و مهندس بازرگان هم از نسبت خانواده‌گذاری نزدیک خود با آیت‌الله مرعشی‌نجفی بهره‌برد. در یک‌سال پایانی اما آنکه در عالی‌ترین سطح حاکمیت پیگیر پایان جنگ بود، کسی نبود جز اکبر هاشمی‌رفسنجانی، نماینده امام در شورای عالی دفاع و رفیق شفیق رئیس‌جمهور وقت که اواخر جنگ به‌عنوان جانشین فر مانده کل‌قوا منصوب شده بود و اگرچه از خطبه‌های او هم آوایی با مخالفان جنگ برنمی‌آمد، اما در جست‌وجوی راهی بود تا بتواند امام را برای پایان جنگ قانع و مجاب کند و البته می‌دانست پای آبرو و اعتبار رهبر انقلاب در میان است. به‌همین‌خاطر فداکارانه پیشنهاد کرد مسئولیت بر دوش او بیفتد و حتی بعد از آن با او بر خورد کنند و صحبت از محاکمه و اعدام را هم در میان آورد. برخی این مدعا را مردود دانسته و بر اساس ختم جنگ می‌دانند، اما چون در مستند «قدس ایران» که در باره زندگی همسر امام (بانو خدیجه تقی) است، با صدای خود او این جمله گفته می‌شود، انکار آن مانند گذشته سهل و آسان نیست.

نقش ممتاز هاشمی در جنگ، البته از سال ۶۰ شروع می‌شود و دو سال بعد هم مستقیماً از امام حکم دیگری می‌گیرد و در اواخر جنگ به جانشینی فر مانده‌ی کل نیروهای مسلح می‌رسد و برای پایان آن می‌کوشد. هرچند در کنفرانس مطبوعاتی به تلاش‌های خود اشاره نمی‌کند، بلکه دو بار از «آیت‌الله العظمی منتظری»- با همین لفظ- یاد می‌کند که جدای قائم‌مقامی رهبری، بر رزمندگان اصفهانی و نجف‌آبادی نفوذ داشتند و این اشارات برای آن بود تا آنان احساس سرخوردگی نکنند. در شروع جنگ آیت‌الله خامنه‌ای و دکتر چمران، به‌عنوان نمایندگان امام در شورای عالی دفاع مطرح بودند و بیشتر ایام هفته را در جبهه‌ها سپری می‌کردند. دو اتفاق اما موجب شد، آیت‌الله خامنه‌ای نتواند مانند سال اول در جبهه‌ها حضور مستمر داشته باشد؛ یکی ترور نافر ششم شتم تیرماه ۱۳۶۰ و دیگری ریاست‌جمهوری و منع امام برای حضور مانند قبل؛ چراکه اگر برای رئیس‌جمهوری ایران اتفاقی می‌افتاد، دشمن از آن بهره‌برداری تبلیغاتی می‌کرد. رئیس‌جمهوری به‌صورت خودکار رئیس‌شورای عالی دفاع هم‌بود به‌همین‌خاطر هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب و سخنگوی آن هم شد. اتفاق قابل‌تأمل تر اما حکم امام به هاشمی در سال ۱۳۶۲ است: «جناب حجت‌الاسلام آقای هاشمی‌رفسنجانی ایده‌الله تعالی. جناب‌عالی را به سمت فرماندهی دنباله عملیات والفجر نصب کردم. توفیق و پیروزی قوای اسلام را بر کفر از خداوند تعالی خواستارم. ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۶۲. روح‌الله الموسوی‌الخمینی.» از آن پس عملاً مواضع اصلی ایران در جنگ با از زبان آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهوری (رئیس‌شورای عالی دفاع) بیان می‌شد یا هاشمی‌رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی (نماینده امام و سخنگوی شورای عالی دفاع) و بیشتر در خطبه‌های نماز جمعه تهران. همین تازگی در جستاری به‌پهانه احبای شورای دفاع در «هم‌میهن» بخشی از توضیحات خود آقای هاشمی را در گفت‌وگوی تفصیلی - دفتر اول مجموعه تاریخ شفاهی عصر انقلاب و جنگ -

در فضای مجازی نوشت: رئیس‌جمهور سه‌شنبه بعد زدن زنگ اول مهر عازم نیویورک خواهد شد و صبح چهارشنبه بوقت محلی (عصر به وقت تهران) در صحن سازمان ملل سخنرانی خواهد داشت. ایشان دیدار و رایزنی‌هایی نیز با رؤسای کشورهای مختلف و دبیرکل سازمان ملل و نشست‌هایی با اندیشکده‌ها، برخی مجامع و ایرانیان مقیم نیز خواهد داشت.

نقل کردم: «امام شورایی تشکیل دادند که ترکیبی بود از مقامات ذی‌ربط و نظامیان. بعداً من سخنگوی شورای عالی دفاع هم شدم اما در آن مقطع مسئولیت اجرایی در جنگ نداشتم. در این مقطع بنی‌صدر جانشین فرماندهی کل نیروهای مسلح بود و اطلاعات را گزینش شده به ما می‌رساند. تا اینکه قبل از عملیات خیبر، فرمانده جنگ شدم.... موقعی که در شورای عالی دفاع بودیم من نفر اول جنگ نبودم. آن موقع شاید نفر اول آقای بنی‌صدر بود. فرمانده کل قوا بود. رئیس‌جمهور هم بود ولی بعداً و وقتی فرماندهی جنگ را اسام به من محول کردند، طبعاً دیگر در میدان من نفر اول بودم؛ لااقل اسمی. یعنی از سال سوم جنگ.»

به‌تصریح خود هاشمی‌رفسنجانی، او از سال سوم فرمانده جنگ شده در حالی‌که حکم امام در انتصاب به جانشینی فرماندهی کل قوا در سال آخر صادر شده بود. به‌تصریح حسن روحانی، بعد از موشک‌باران تهران در عید ۶۷ و به‌دنبال سلسله عملیات عراقی‌ها، هاشمی‌رفسنجانی برای پایان جنگ مصمم می‌شود اما ناشانی از آن را در خطبه‌های نماز جمعه یا مواضع او در مصاحبه‌ها نمی‌بینیم، بلکه راهی دیگر را می‌پیماید. از محسن رضایی می‌خواهد نیازهای خود برای پیروزی در جنگ را فهرست کند. فرمانده وقت سپاه هم لیست بلندبالایی از تجهیزات و تسلیحات مورد نیاز تهیه می‌کند، حتی به‌نظر می‌رسد کمی هم ا عراق می‌کند تا از این فرصت بهره کافی برده باشد. از نخست‌وزیر-میرحسین موسوی- هم می‌خواهد وضعیت اقتصادی ونحوه اداره کشور را شرح دهد و او وورش می‌کند که چگونه نیمی از درآمد کشور صرف جنگ می‌شود و با نیم‌دیگر، کشور را اداره می‌کنند. اینکه به‌رغم کاهش فاحش درآمد نفت و هزینه‌های جنگ، کشور دچار قحطی نشد و زندگی و اقتصاد جریان داشت، از دلایل رضایت امام از مهندس موسوی بود. کار به‌جایی رسید که در تابستان ۱۳۶۵ قیمت خانه از تابستان ۱۳۶۳ ارزان‌تر شد! اتفاقی که در ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است.

نرخ رشد اقتصادی البته مطلوب نبود و از توسعه به‌معنی فنی کلمه هم خبری نبود اما همان در آمد کم نفتی با دقت توزیع می‌شد. از اعداد و ارقام گزارش اقتصادی نخست‌وزیر بر نمی‌آمد که بتوان نیازهای مفصل و مشروح محسن رضایی را تأمین کنند و نوبت به گزارش سوم رسید که امضای صهیدمحمد خاتمی، معاون فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا پای آن بود. هنر هاشمی، ترسیم تصویر واقعی جنگ نزد امام بود؛ مبتنی بر نیازها و تسلیحاتی که نسبتی با امکانات و مقدرات نداشت. در تیرماه ۶۷، امام سه گزارش را در برابر داشت: یکی آرمان‌گرایانه و فهرستی که تأمین آنها نیاز به ده‌ها میلیارد دلاری داشت که موجود نبود و عملیاتی که انجام‌شان به میلیون‌ها دواطلبی نیاز داشت که مطابق گزارش سوم شوق سال‌های نخست جنگ را انداشتند. گزارش دوم هم حاوی عدد و رقم بود. انقلابیون بیگانه با اعداد و ارقام حالا دیگر اهل عدد و رقم شده بودند. مسعود روغنی رنجانی در سازمان برنامه و محسن نوربخش در بانک مرکزی، نقش بارزی در توجه‌دادن به اعداد و ارقام داشتند. مقامات کم‌کم با اعداد و ارقام آشنا می‌شدند و با آن آشنی می‌کردند چندان که تنها دو ماه بعد از اتمام جنگ و در شهریورماه ۱۳۶۷ هاشمی‌رفسنجانی عدد دقیق شهیدان جنگ تا آن زمان و قبل از یافتن پیکرهای مفقودین را ۲۲۰ هزار نفر اعلام کرد.

باری، هاشمی با سه گزارش و توضیح خود و استناد به نظر آیت‌الله منتظری و قبول مسئولیت و هزینه نکردن از اعتبار امام، توانست رهبر فقید انقلاب را برای قبول پایان جنگ قانع کند و وقتی دید مسئولیت کامل آن را امام برعهده گرفته، بیشتر دانست ربع‌قرن خدمت او به امام خمینی، خطا نبوده و قدر دیده است. حالا در چهل و پنجمین سالگرد شروع جنگ و ۲۷ سال پس از تلاش هاشمی برای ختم آن، برخی انتظار دارند مسعود پزشکیان با بهره از اعتماد رهبری به خود، همین نقش را برای ختم مناقشه هسته‌ای برعهده گیرد. توصیه‌ای که به مذاق تندروها خوش ننشسته و آن را به خوش‌رقصی برای ترامپ تعبیر کردند و چه می‌توان گفت جز حاشا و کلا. دغدغه هاشمی در وهله اول، خروج از بن‌بستی بود که کشور به‌خاطر جنگ به آن گرفتار شده بود و البته جان‌هایی که قربانی می‌شد و باقی همه فرع بود. اکنون نیز اگرچه همه می‌دانند رابطه پزشکیان و رهبری از جنس امام و هاشمی نیست و هاشمی خود نقش تأسیسی داشت، ولی به هر رو در قبال هر پدیده، مدام باید ارزیابی کرد و مستجد که می‌آرد یا نه. هاشمی استمرار کار در پی هشت‌سال را در یک کفه ترازو گذاشت و در کفه دیگر، پایان آن را با سه گزارش و دومی چریب. کاری که از پزشکیان انتظار می‌رود، ملاقات ناگهانی و بی‌برنامه با ترامپ نیست چراکه شاید رفتاری تحقیرآمیز نشان دهد یا نپذیرد یا بر اسننپ‌ک اثر نگذارد یا تندروهای داخلی را تحریک کند. این است که پرونده مناقشه هسته‌ای را در ترازو قرار دهد، چرا که این باور در جامعه قوت گرفته که هر قدر هم بیرزد بهای آن گراف شده و بیم آن می‌رود که از پنجم همراه که از اقتضا با بازگشت رئیس‌جمهور از نیویورک هم‌زمان شده کلان‌تر شود. به این ترازو بنگرد و اقدام متناسب با آن را انجام دهد؛ هر چه باشد...

تیتریک

حمله به اصلاح‌طلبان در آستانه سفر رئیس‌جمهور

مربوط به «جریان تسلیم» و «ساده‌لوحانه» خواند، با ادبیاتی عجیب، اینگونه نتیجه گرفت: «این اظهارات نعتیانه نشان‌دهنده بیگانگی ایسن طیف با واقعیت‌های سیاست بین‌الملل است، بلکه بار دیگر ثابت می‌کند که غربگرایان هنوز هم ساده‌ترین و ابتدائی‌ترین راهکارها، یعنی «سلام علیک»، «تماس تلفنی»، و «اطمینان دادن به صهیونیست‌ها» را به‌عنوان نسخه‌های اقتصادی و سیاسی برای ملت ایران تجویز می‌کنند. این طیف تا حدی مجنون وار خود را در برابر آمریکا حقیر می‌بینند که احتمالاً حتی حاضر به این هستند که طبق دستورالعمل سال گذشته ترامپ، نشیمنگاه وی را نیز ببوسند.» غلامحسین کرباسچی، مدیرمسئول هم‌میهن در واکنش به این ادبیات روزنامه کیهان در تویتر نوشت: «از خدا خواهیم توفیق ادب، بی‌ادب محروم‌ماند از لطف رب. برای حسین شریعتمداری که وقاحت را از حد چاله میدون گذرانده»

▼ ر جانپوز و گوساله‌پرستی

بخشی از واکنش‌ها، مربوط به صفحه‌یک روزنامه‌های سازندگی و هم‌میهن در روز ۳۱ شهریور بود که این پیشنهاد را منعکس کرده و مورد توجه قرار دادند. سایت **خبری ر جانپوز**، از این تیتیر برای حمله به پیشنهادهای مطرح شده استفاده کرد: «گوساله‌پرستان دوباره دست به کار شدند / توصیه حامیان دولت: پزشکیان باید با متجاوز به خاک و قاتل مردم ایران دیدار کنند.» در مطلب ر جانپوز آمده بود: «هنوز سه ماه از حمله آمریکایی-صهیونیستی به ایران نگذشته و هنوز داغ خون‌های به ناحق ریخته‌شده در این تجاوز آشکار سرد نشده است که «جریان سازش» بار دیگر از اتاق‌های فکر خود بیرون آمده و نسخه پوسیده و تاریخ‌معصر ف گذشته خود را برای ملت ایران تجویز می‌کند. مذاکره با قاتل!»، این سایت البته پس از این حمله، اشاره خاصی به نسخه خود برای خروج از این وضعیت نداشت.

▼ واکنش آرام فرهیختگان

روزنامه فرهیختگان، وابسته به **دانشگاه آزاد**، واکنش آرامی به این پیشنهادات نشان داده و به‌تقد آن هایدراخت. فرهیختگان نوشت: «مذاکره حتی با آمریکا شاید محل اشکال نباشد اما مسئله اینجاست که فعلاً طرف آمریکایی حاضر به انجام مذاکره و گفت‌وگو با ایران نیست. اشتیاق این افراد برای مذاکره با آمریکا، بزن و بکوبی است که در خانه عروس به راه افتاده است و الا در خانه داماد، خبر خاصی جریان ندارد. این ایده‌های رمانتیک در سیاست خارجی آن هم تنها چندماه پس از حمله نظامی رژیم‌صهیونیستی و آمریکا به خاک ایران، تله‌ای است که بخشی از جریان حامی دولت پیش پای رئیس‌جمهور پهن کرده است.» در ادامه این مطلب آمده است: «وقتی جمع‌بندی طرف آمریکایی این است که دیگر چیزی وجود ندارد که بخوایم بر سر آن مذاکره کنیم، چگونه می‌توان با او پشت میز مذاکره نشست؟ یا وقتی او از سسر بی می‌توفیق حاضر به مذاکره باشد، چه امتیازی باید به او داده شود تا از قبل آن، یک مذاکره حاصل شود؟ پرسش مهم‌تر اینکه آیا در همان مذاکرات فشرده فروردین ۱۴۰۴، هدف طرف مقابل واقعاً مذاکره بوده است؟»

نامه ده‌ها نماینده به شعام برای تغییر دکترین هسته‌ای و فتوای رهبری

درخواست دستیابی به سلاح هسته‌ای

تجدیدنظر گردد. به‌کارگیری سلاح هسته‌ای مصداق حرمت فتوای رهبری معظم انقلاب در سال ۱۲۸۹ بوده اما ساخت و نگهداری به‌عنوان بازدارندگی بحث دیگری است. مستدعی است از آنجاکه مصوبات آن شورا با تأیید رهبری معظم انقلاب موضوعیت دارد این در خواست در اسرع وقت مطرح و نتایج کارشناسی به اطلاع مجلس شورای اسلامی رسانده شود. البته این اولین بار نیست که نمایندگان تندرو مجلس در مقابل تصمیمات داخلی و بین‌المللی در باره ایران اینگونه جبهه‌ی‌گیری‌ند و هیچانی عمل می‌کنند. درست روز بعد از تحلیف مسعود پزشکیان و با هدف قراردادن اسماعیل هنیه‌در تهران بود که بخشی از نمایندگان سراسازگاری با دولت رابنا نه‌اندند و به دولت خرده گرفتند که چرا پاسخ اسرائیل را نمی‌دهد. اما قرار نبود ساعت عملیات وعده صادق یک با یک فشارها تغییر کند و سرموعده و ساعت مقرر انجام شد. پس از آنکه اسرائیل ساختمان کنسولگری ایران را در دمشق و مقامات نیروهای مقاومت مانند یحیی سنوار، سید حسن نصرالله، هاشم صفی‌الدین و... را هدف قرار داد، تقابل بر خی از نمایندگان با فتوای رهبری قوت گرفت و برخی از نمایندگان اعلام کردند برای به جهت بازدارندگی باید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنیم. پس از جنگ ۱۲ روزه و حمله اسرائیل به ایران، نمایندگان علاوه بر اصرار برای دستیابی به سلاح هسته‌ای با تصویب «تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» را مصوب کرده و تأکید داشتند که باز رسان آژانس اجازه ورود به ایران و بررسی کتش و فعالیت‌های اتمی ایران را ندارند. اما با فعال شدن مکانیزم ماشه اظهارنظر نمایندگان تندرو رنگ دیگری به خود گرفت و مدعی شدند: «ایران موشک‌های قاره‌پیمارا آزمایش کرده» و «ایران به سلاح‌هایی فراتر از سلاح هسته‌ای دست یافته» و مستمر درباره این موضوعات سخن گفتند. این بخش از نمایندگان حالا و بارای منفی به لغو تحریم هاتصمیم گرفته‌اند به رهبری و شورای امنیت ملی توصیه کنندبا دستیابی به سلاح هسته‌ای در مقابل حمله مجدد بازدارندگی ایجاد کند.

▼ تغییر دکترین دفاعی با پشتوانه عقلائیت؟

احمد آرایی نژاد، **نماینده ملایر** که این نامه را امضا کرده، درباره نامه ۷۱ نماینده مجلس به شورای عالی امنیت ملی و سران قوای پیرامون لزوم تجدیدنظر در دکترین هسته‌ای کشور، به‌پدیده‌ها ایران گفت: «وقتی دشمنان ما سلاح هسته‌ای دارند، آیا